

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۱ بهمن ۱۳۹۸

مصادف با: ۲۵ جمادی الاولی ۱۴۴۱

جلسه: ۲۳

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط سیزدهم؛ اخلاص

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در مسأله ۵۸۹ بود. عرض شد که این مسأله چند فرع دارد که در جلسه گذشته دو فرع آن ذکر شد.

فروع سوم؛ این است که شخص نسبت به وجود حاجب و مانع یقین دارد، لکن در هنگام شستن یا مسح، به مانع و حاجب توجهی ندارد- شخص در هنگام شستن یا مسح، گاهی نسبت به وجود حاجب التفات دارد که در این صورت، حاجب را برطرف می‌کند و سپس عضو مورد نظر را می‌شوید یا مسح می‌کند- و شک دارد که آیا ممکن است که آب خود به خود به زیر آن مانع سرایت کرده باشد یا چنین چیزی ممکن نیست، پس سؤال این است که آیا قاعده فراغ در این فرض جاری می‌شود یا جاری نمی‌شود؟ پس، اصل وجوب حاجب، معلوم است، لکن شخص در هنگام شستن یا مسح کردن، توجهی به مانع و حاجب نداشته است و اکنون شک دارد که آیا آب خود به خود به زیر مانع سرایت کرده است یا آب به زیر مانع سرایت نکرده است [و مانع نیز از چیزهایی است که گاهی آب به زیر آن نفوذ می‌کند و گاهی آب به زیر آن نفوذ نمی‌کند]. به نظر مرحوم سید (ره)، در این فرض نمی‌توان قاعده فراغ را جاری کرد و با تمسک به آن صحت وضو حکم کرد، بلکه احتیاط در این است که وضو اعاده شود چون التفات معتبر است و شخص باید هنگامی که کاری را انجام می‌دهد، متوجه باشد که چه کار می‌کند و روایاتی، از جمله موثقه بکیر بن أعین [عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعْيَنٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَشْكُ بَعْدَ مَا يَتَوَضَّأُ، قَالَ: «هُوَ حِينَ يَتَوَضَّأُ أَذْكَرُ مِنْهُ حِينَ يَشْكُ»] نیز وارد شده‌اند که از آن روایات استفاده می‌شود که قاعده فراغ زمانی جاری می‌شود که شخص در هنگام انجام عمل، التفات داشته باشد.

التفات به وجود و عدم وجد مانع از باب ضابطه است یا از باب غالب است؟

بعضی گفته‌اند که التفات از باب ضابطه است و بعضی دیگر گفته‌اند که التفات به عنوان یک ضابطه و قاعده است. پس اگر مستند بحث، آن دسته از روایاتی باشند که التفات را در جریان قاعده فراغ معتبر می‌دانند، در بحث مورد نظر، چون التفات منتفی است، گفته‌اند که جایی برای اجرای قاعده فراغ نیست، یعنی در فرض مذکور که شخص علم به وجوب حاجب داشته است و در هنگام وضوگرفتن به آن حاجب التفات نداشته و اکنون شک دارد که آب به صورت اتفاقی به زیر حاجب سرایت کرده است یا آب به زیر حاجب سرایت نکرده است؟ که در این صورت نمی‌توان قاعده فراغ را جاری کرد زیرا روایاتی که در این رابطه وارد شده‌اند، التفات در حین عمل را معتبر دانسته‌اند.

یکی از روایاتی که التفات در حین عمل را در جریان قاعده فراغ معتبر دانسته است روایت بکیر بن أعین است که ذکر آن گذشت [عَنْ بُكَيْرِ بْنِ أَعِينٍ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يَشْكُ بَعْدَ مَا يَتَوَضَّأُ، قَالَ: «هُوَ حِينَ يَتَوَضَّأُ أَذْكَرُ مِنْهُ حِينَ يَشْكُ»].^۱

معنای این روایت، این است که شخصی که عملی را به جا می‌آورد، در حین اشتغال به عمل نسبت به بعد از فراغ از عمل، توجهش بیشتر است و التفات بیشتری دارد. عده‌ای گفته‌اند که التفات در حین انجام عمل از باب غالب است و از باب قاعده و ضابطه نیست لذا این‌گونه نیست که اگر التفات نباشد، نمی‌توان قاعده فراغ جاری کرد لذا در رابطه با این مسأله گفته‌اند که دو وجه وجود دارد؛ یک وجه این است که التفات در حین عمل معتبر است لذا بدون التفات نمی‌توان به قاعده فراغ تمسک کرد و وجه دیگر این است که التفات از باب مورد غالب است و لذا نمی‌توان به عنوان یک ضابطه به آن استناد کرد لذا کسانی که التفات در حین عمل را شرط می‌دانند، گفته‌اند که در فرض مذکور در مسأله چون شخص حین عمل التفات داشته است، قاعدتاً عمل را کما هو انجام داده است و قاعده فراغ جاری می‌شود و نیازی به اعاده وضو نیست.

روایت محمد بن مسلم نیز بر لزوم التفات در حین عمل دلالت دارد:

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ: «إِنْ شَكَّ الرَّجُلُ بَعْدَ مَا صَلَّى فَلَمْ يَذَرْ أَوْ ثَلَاثًا صَلَّى أَمْ أَرْبَعًا وَكَانَ يَقِينُهُ حِينَ أَنْصَرَفَ أَنَّهُ كَانَ قَدْ أَتَمَّ لَمْ يُعِدِ الصَّلَاةَ وَكَانَ حِينَ أَنْصَرَفَ أَقْرَبَ إِلَى الْحَقِّ مِنْهُ بَعْدَ ذَلِكَ».^۲

معنای این روایت این است که شخص نماز را تمام کرده است و بعد از نماز شک کرده است که سه رکعت خوانده است یا چهار رکعت خوانده است و زمانی که در حال انصراف بوده و می‌خواسته از نماز جدا شود، یقین داشته که نمازش را به صورت تمام و کامل خوانده است، نمازش را اعاده نمی‌کند و در حالی که از نماز منصرف می‌شد و در مراحل پایانی نماز بود، به حق نزدیک‌تر است از زمانی که بعد از نماز شک کند که سه رکعت خوانده است یا چهار رکعت خوانده است.

بنابراین با توجه روایت مذکور، ملاک، التفات در حین انجام عمل است لذا در این صورت نیز قاعده فراغ جاری می‌شود. همان‌طور که عرض شد، مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که اگر التفات در حین عمل، قید غالبی باشد، نمی‌تواند به عنوان ملاک و ضابطه تلقی بشود، بلکه التفات و عدم التفات؛ هر دو می‌توانند مسأله را حل کنند.

لکن گفته شده است که التفات از باب قید غالب است و طرفداران این قول که التفات لازم نیست و التفات را از باب قید غالب دانسته‌اند، گفته‌اند که روایاتی وجود دارند که اصلاً قید اذکریّت و قید اقرب الی الحق بودن در آن روایات نیست، بلکه این روایات، مطلقند و اگر روایات مطلق باشند جریان قاعده فراغ بدون اشکال خواهد بود، لکن همان‌طور که در اصول آمده است، هرچند که ممکن است بعضی از روایات اطلاق داشته باشند، لکن به خاطر وجود روایات مقیده، روایات مطلق بر مقید حمل می‌شوند، یعنی روایاتی که قید اذکریّت و اقرب الی الحق بودن در آنها نیامده است، به وسیله روایاتی که این دو قید در آنها آمده است، تقیید می‌خورند، در نتیجه شرطیت التفات در حین عمل، احراز می‌شود و قید غالب بودن التفات حین عمل از بین می‌رود.

به علاوه اینکه قاعده فراغ یک قاعده تعبدی نیست، بلکه یک قاعده عقلائی و عرفی است و عقلاء و عرف قاعده فراغ را زمانی جاری می‌کنند که التفات در حین عمل در کار باشد، یعنی عقلاء و عرف می‌گویند که انسان کاری که انجام می‌دهد با توجه و

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۴۲، ص ۴۷۱، ح ۷.

۲. همان، ج ۸، کتاب الصلاة، ابواب الخلل الواقع فی الصلاة، باب ۲۷، ص ۲۴۶، ح ۳.

التفات انجام می‌دهد لذا اگر بعد از آن شک کند، به آن شک توجه نمی‌شود چون فرض این بوده است که عمل مورد نظر را با توجه و التفات انجام داده است لذا به شکلی که بعد از آن می‌آید توجه نمی‌شود. لذا عده‌ای از فقها در فرض عدم التفات، قائل به عدم تمسک به قاعده فراغ شده‌اند و در نتیجه به لزوم اعاده عمل، فتوا داده‌اند.

فروع چهارم؛ این است که اگر شخص نسبت به وجود مانعی که مانع بودن آن، معلوم یا مشکوک است، علم داشته باشد و شک داشته باشد که مانع در حال وضو وجود داشته است یا بعد از وضو، حاصل شده است. مرحوم سید (ره) فرموده است که در این صورت بر صحت وضو بنا گذاشته می‌شود مگر اینکه بداند که در حال وضو به این امر توجه نداشته است که در این صورت، احتیاط این است که وضو را اعاده کند. پس ملاک جریان قاعده فراغ در این فرع، نیز التفات و عدم التفات به عمل در حین عمل است، یعنی اگر شخص در حین عمل التفات داشته است و بعد از آن شک کرده باشد، به شکش اعتنا نمی‌کند و قاعده فراغ جاری می‌کند، ولی اگر در حین عمل التفات نداشته است نمی‌تواند با تمسک به قاعده فراغ به صحت عملی که انجام داده است، حکم کند، بلکه باید عمل را اعاده کند.

مسئله ۵۹۰: «إذا علم بوجود مانع و علم زمان حدوثه و شك في أن الوضوء كان قبل حدوثه أو بعده يبنى على الصحة لقاعدة الفراغ إلّا إذا علم عدم الالتفات إليه حين الوضوء، فالأحوط الإعادة حينئذ»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر شخص به وجود مانع و حاجب علم داشته باشد و همچنین، نسبت به زمان حدوث مانع نیز علم داشته باشد، ولی شک داشته باشد که وضوئی که گرفته است قبل از حدوث مانع بوده است یا بعد از حدوث مانع بوده است، در این صورت با تمسک به قاعده فراغ بر صحت وضو بنا می‌گذارد مگر اینکه علم داشته باشد که در حین وضو به وجود و عدم وجود مانع التفاتی نداشته است که در این صورت، احتیاط این است که وضو را اعاده کند.

مرحوم سید (ره) در این مسئله و مسأله قبل، التفات و عدم التفات را ملاک جریان قاعده فراغ دانسته است، یعنی در هر موردی که التفات به وجود و عدم وجود مانع، باشد، قاعده فراغ جاری می‌شود و به صحت عمل انجام شده، حکم می‌شود و در هر موردی که التفات نباشد، قاعده فراغ جاری نمی‌شود و دلیل این کلام نیز روایاتی بود که در این رابطه وارد شده‌اند و همچنین، دلیل دیگری این بود که قاعده فراغ صرفاً یک قاعده تبعیدی محض نیست، بلکه یک قاعده عقلائی و عرفی است و عقلاء و عرف زمانی این قاعده را جاری می‌دانند که التفات در حین عمل باشد.

مسئله ۵۹۱: «إذا كان محلّ وضوئه من بدنه نجساً فتوضّأ و شك بعده في أنّه طهره ثمّ توضّأ أم لا بني على بقاء النجاسة فيجب غسله لما يأتي من الأعمال و أمّا وضوؤه فمحكوم بالصحة عملاً بقاعدة الفراغ إلّا مع علمه بعدم التفاته حين الوضوء إلى الطهارة و النجاسة و كذا لو كان عالماً بنجاسة الماء الذي توضّأ منه سابقاً على الوضوء و يشك في أنّه طهره بالاتّصال بالكرّ أو بالمطر أم لا فإنّ وضوءه محكوم بالصحة و الماء محكوم بالنجاسة و يجب عليه غسل كلّ ما لاقاه و كذا في الفرض الأوّل يجب غسل جميع ما وصل إليه الماء حين التوضؤ أو لاقى محلّ الوضوء مع الرطوبة»^۲.

۱. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۴.

۲. همان.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر محل وضوی شخص [از بدنش] نجس باشد، پس وضو بگیرد و بعد از آن در این که نخست آن موضع را تطهیر کرده و سپس وضو گرفته است یا بدون تطهیر، وضو گرفته است، شک کند، بر بقاء نجاست بنا گذاشته می‌شود، پس واجب است که شخص آن موضع را برای اعمال [ی که بعداً می‌خواهد انجام بدهد، مثل نماز] بشوید و اما وضوئی که گرفته است از باب عمل به قاعده فراغ محکوم به صحت است مگر اینکه علم داشته باشد که در حین وضو نسبت به طهارت و نجاست التفات نداشته است، همچنین، اگر شخص بداند که آبی که با آن وضو گرفته است، نجس بوده است و شک دارد که آیا این آب را با اتصال به کر یا اتصال به آب باران تطهیر کرده یا تطهیر نکرده است، در این صورت وضویی که گرفته است، از باب قاعده فراغ محکوم به صحت است و آب از باب استصحاب بقاء نجاست، محکوم به نجاست است و لذا واجب است که هر چیزی که با آن آب ملاقات کرده است، شسته شود و همچنین، در فرض اول نیز هر آنچه که در هنگام وضو با آب ملاقات کرده است، باید شسته شود یا آنچه که با محل وضو که مرطوب بوده است، ملاقات کرده است، باید شسته شود.

«الحمد لله رب العالمین»